

چرا ویراستار شدی؟

(از تجربه مری ایمری^۱: ویراستار آزاد)

ترجمه عبدالحسین آذرنگ

بهتر انجام می‌دهم. زمانی را که بتوان در صورت حساب آورد، به سختی ممکن است بیش از ۵ ساعت در روز باشد. بقیه وقتم صرف کارهای دفتری، آموختن برنامه‌های جدید رایانه‌ای، تدارک احتیاجات دفتر، سرزدن به پستخانه، و خرده کارهای دیگری می‌شود که لازمه اداره کار و کسب مبتنی بر خدمت است.

● طی سال با نویسندگان بسیاری کار می‌کنی. در کار کردن با این‌ها مهم‌ترین چیزی که باید در نظر داشت چیست؟

– چندین چیز را باید در نظر گرفت، اما به نظرم مهم‌تر از همه، صداقت کامل با نویسنده است. صداقت، بدون دلسرد کردن یا جریحه‌دار کردن احساسات او؛ و این بدان معناست که کلماتم را باید به دقت انتخاب کنم. وقتی آن قدر نکته پیدا کنم که ایجاب کند کار دیگری روی اثر انجام شود یا اثر بازنگاری شود، مصمم می‌شوم همه چیزهایی را که می‌خواهم درباره نوشته‌شان بگویم، به نویسندگان بگویم، و همیشه هم چیزهای خوبی برای گفتن هست. بعد توضیح می‌دهم چه کارهایی لازم است انجام بگیرد تا متن را بهتر کند. گاه موضوع ساختار مطالب در میان است؛ گاه کاربرد بیش از اندازه کلیشه‌ها، واژگان تخصصی، و واژه‌ها و عبارات‌های مورد علاقه نویسنده؛ گاه نبودن تأکید یا وضوح. معمولاً چند صفحه‌ای را ویرایش می‌کنم، مثل فصل اول، بعد صفحه‌های کار شده را به نویسنده برمی‌گردانم، و هزینه وقتی را که صرف کرده‌ام اعلام می‌کنم. با این کار می‌توانم از مقدار وقتی که صرف سراسر متن خواهد شد، تصویری داشته باشم، و از این رو می‌توانم هزینه ویرایش را برآورد کنم. نویسنده هم می‌تواند ببیند چه‌طور ویرایش می‌کنم و این‌که این ویرایش به کارش می‌آید یا نه. گاه متن به کار زیادی نیاز دارد و من نویسنده‌ها را به «پشت صحنه» می‌برم، همراه با پیشنهادهایی برای تغییرهایی که خودشان می‌توانند انجام بدهند. از آن‌ها می‌خواهم پس از آن‌که توانستند هر کاری در اصلاح متن بکنند، آن را به من بازگردانند. در این صورت هزینه کمتر خواهد شد، زیرا من وقت کمتری صرف ویرایش خواهم کرد و نویسندگان در جریان کار بر مطالب خلاقانه خود نظارت دارند.

یکی از خطاهای بزرگی که دیده‌ام ویراستاران دیگر مرتکب می‌شوند، بازنگاری و تغییردادن اثر نویسنده است، به جای آن‌که فقط

● مری لطفاً درباره کار نوشتنات قدری توضیح بده.

– من همه نوع کار ادبی انجام می‌دهم: متن کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های دکتری را ویرایش می‌کنم، به مؤلفان کتاب در یافتن کارگزاران و ناشران مناسب یاری می‌دهم، به خود ناشران در هر مرحله از فرایند کار، از تکمیل کردن صورت‌های انتشاراتی و تنظیم کتاب تا فرستادن آن به چاپ کمک می‌کنم.

● چه باعث شد نویسنده – ویراستار شدی؟

– همواره از نوشتن لذت برده‌ام و برای روزنامه دبیرستان‌ام شعر سروده‌ام، غزل ساخته‌ام، مقاله نوشته‌ام، و برای خبرنگار سازمان‌ها. سال‌ها هم مجله‌ای را اداره کرده‌ام. در چند گونه ادبی به صورت حرفه‌ای نوشته‌ام. از جمله متن‌های تلویزیونی، ویدئوهای آموزشی، فیلم‌های مستند، مقاله برای مجلات، و کتاب‌های غیرداستانی. کاملاً تصادفی ویراستار شدم. روزی شنیدم یزشکی دنبال کسی می‌گردد تا متن کتابش را، که داشت می‌نوشت، ویرایش کند. با او تماس گرفتم و او هم نخستین وظیفه ویرایشی‌ام را به من محول کرد. کتابی که برایش ویرایش کردم، بعداً از سوی سایمن اند شوستر^۲ منتشر شد. بر اثر آن موفقیت، برای وظایف دیگر ویرایشی از دیگران سفارش گرفتم. پس از آن‌که مؤسسه اسپان^۳ را تشکیل دادم و با مؤلفان دیگری دیدار کردم که دنبال ویراستار می‌گشتند، کار ویراستاری‌ام واقعاً گُل کرد.

● می‌شود یک روز از زندگی مری نویسنده – ویراستار را وصف کنی؟

– طی هفته، از دوشنبه تا جمعه، از ساعت ۸ یا ۹ صبح تا ۵ یا ۶ عصر کار می‌کنم، و اگر لازم باشد، نصف روز شنبه را. به ندرت ممکن است یکشنبه کار کنم. به سبب سرشت کارم، هیچ برنامه منظمی ندارم؛ مگر آن‌که برای کتاب خودم یا مقاله مجله ضرب‌الاجلی باشد. کار مشتری‌انم بر کار خودم تقدم دارد. به صورت پاره‌های زمانی دو-سه ساعته کار می‌کنم، بین آن‌ها تنفس می‌دهم و به این ترتیب حد نگاه می‌دارم. غالباً وقتی مشغول قدم زدنم یا به کارهای خانه می‌پردازم، بعضی ویرایش‌ها را در ذهنم انجام می‌دهم (اما این‌ها را جزو صورت حساب نمی‌آورم، زیرا به کارهای دیگری مشغول بوده‌ام). بعد که بر می‌گردم سرمتن، نگاه تازه‌ای دارم و احساس می‌کنم کارم را

آن را ویرایش کنند. گاه جمله بدی را از نو می‌نویسم یا جمله بیش از اندازه بلندی را به دو یا سه جمله می‌شکنم. اما اگر نتوانم لحن نویسنده را حفظ کنم و از عهده آن جمله برنیايم، به آن دست نمی‌زنم. از نویسنده می‌خواهم خودش این کار را بکند. بازنگاری اثر نویسنده، لحن او را تغییر می‌دهد. این عمل، به نمایش گذاشتن قائل نبودن احترام خاص برای نویسنده است؛ گستاخی تحقیرآلود، اهانت بار، و غیرقابل قبول است.

● غرور آمیزترین لحظات به عنوان نویسنده تا این زمان چه بوده است؟

– اسم این لحظه را دقیقاً به این دلیل غرورآمیز نمی‌گذارم که درباره تازہ‌ترین کتابم با نام *جمعه‌ایزار نویسنده*، مجموعه‌ای از لحظه‌ها بوده است. گمان می‌کردم یافتن ناشر برای کتابی درباره نوشتن که مانند آن در بازار بسیار زیاد است، کار سختی باشد. تصمیم گرفتم آن را به شیوه خود ناشری منتشر کنم. نخستین لحظه‌های غرورآمیزم وقتی بود که بررسی و نقدی عالی درباب کتاب در *لیبری جورنال*^۴ چاپ کردند و سفارش‌ها برای آن به سمتم سرازیر شد. لحظه دوم غرورم دو سال بعد بود، وقتی که حقوق نشر را از بابت ویراست تجدید نظر شده به ناشری فروختم که آن را در بهار ۲۰۰۳ چاپ کرد. و لحظه سوم وقتی بود که باشگاه کتاب نویسندگان آن را برگزید. هر کدام از این رویدادها کاملاً غیرمنتظره بود.

● کارت و زندگی نویسنده‌گی شخصی‌ات در آینده به چه مسیری خواهد رفت؟

– اگر چه از ویرایش کردن لذت می‌برم، اما دوست دارم در کارگاه‌های بیشتری تدریس و سخنرانی داشته باشم، زیرا از این طریق می‌توانم به نویسندگان بیشتری دست بیايم. می‌خواهم کتاب‌های بیشتری هم بنویسم. درونم کتاب‌ها و داستان کوتاه‌های بسیار زیادی هست، چه کتاب‌های داستانی و چه غیرداستانی، و این‌ها فریاد می‌کشند که بیرون بریزند. بنابراین، تصور می‌کنم در آینده زمان کمتری صرف ویرایش و زمان بیشتری صرف نوشتن کنم.

● شما اسپان را تأسیس کردید. ممکن است بگویید چه چیزی الهام بخش‌ات در ایجاد این تشکیلات بود؟

– الهام اسپان از جانب نویسندگانم بود، بیشتر به این دلیل که به اطلاعاتی نیاز داشتند که همانا من درباره صنعت نشر کتاب نداشتم. دنبال تشکیلاتی می‌گشتم که به این نیازها پاسخ بگوید، اما چنین تشکیلاتی نیافتم. گرچه نویسندگان و باشگاه‌های کتابی بودند که به جزئیات تدوین کتاب و منتشر کردن آن نمی‌پرداختند. گرچه من کاملاً نوع دوست نبودم، زیرا عقیده داشتم چنین تشکیلاتی به من هم کمک می‌کند بیشتر بیاموزم. در عین حال مرا با مؤلفانی در تماس قرار می‌داد که به خدماتم نیاز داشتند.

● ویراستار حرفه‌ای از چه راهی می‌تواند درآمد داشته باشد؟

– سخت است بگویم، زیرا دیگر ویراستاران آزاد را نمی‌شناسم و

نمی‌دانم ناشران به ویراستاران خود چه قدر دستمزد می‌پردازند. فقط می‌دانم که زندگی‌م را همواره با کار از راه حرفه ویراستاری گذرانده‌ام. این کار را گسترش دادم تا مشاوره و خدمات دیگر مربوط به نشر کتاب را در بر بگیرد. اگر هر چندگاه وقتم را صرف کار روی کتاب‌های خودم نمی‌کردم، آن را بیشتر گسترش می‌دادم. دوازده سال پیش که کارم را آغاز کردم، دستمزدم برای کارهای ویراستاری ساعتی ۱۵ دلار بود، اما در آن زمان کسی نبودم که امتحان پس داده باشد. مطلع‌تر و کارآمدتر که شدم، دستمزدم اندک اندک افزایش یافت و حالا دستمزدم مقداری بیشتر است.

● درباره حرفه ویراستاری غالباً از اسپان سؤال می‌شود. به کسی که بخواهد ویراستار شود، چه توصیه‌ای داری؟

- گمان می‌کنم توجه به این صورت اهمیت داشته باشد:
- پیش از آنکه تصمیم بگیرید نوشته دیگری را ویرایش کنید، از نوشتن و پیش زمینه عالی زبان، درک روشنی داشته باشید.
- *شیوه‌نامه دانشگاه شیکاگو*^۵ را مطالعه، و به آن خیلی مراجعه کنید. این، کتاب مقدس صنعت نشر کتاب است.
- در سمینارها، کارگاه‌های نویسندگان، جشنواره‌های کتاب و مؤلفان، و در صورت امکان در نمایشگاه‌های کتاب شرکت کنید.
- تا جای ممکن جنبه‌های فراوان صنعت نشر کتاب را بشناسید.
- با نویسندگان نزدیکی احساس کنید و به نوشته‌شان احترام بگذارید. با کسی که نمی‌توانید به او احترام بگذارید، کار نکنید.
- به مجامعی بپیوندید که مؤلفان، ناشران، کارگزاران نشر، طراحان گرافیک و دیگر کسان علاقه‌مند به نویسندگی و نشر در آن‌ها جمع می‌شوند.
- صادق، مهربان، اتکاپذیر، و دلسوز باشید.
- تا جای ممکن وقت صرف حرفه آزادتان کنید.
- همه وسایل و تجهیزات لازم، مانند رایانه، چاپگر لیزری، پوششگر، نمابر، کتاب‌های مرجع، وسایل دفتری مانند میزکار، میز، صندلی راحت و قفسه‌های نگهداری مواد و مطالب را تهیه کنید.
- هرگاه و هر قدر می‌توانید، به ویژه در آغاز کار، و حتی اگر دستمزد زیادی به شما نپرداختند، ویرایش کنید. هر چه بیشتر ویرایش کنید، بهتر می‌شوید.

1. Mary Embree
2. Simon & Shuster
3. SPAWN
4. *Library Journal*

۵. مهمترین شیوه‌نامه‌ای در زبان فارسی که قواعد شیوه‌نامه دانشگاه شیکاگو را با دقت فراوان در نظر داشته، راهنمای آماده‌ساختن کتاب، اثر میرشمس‌الدین ادیب‌السلطانی، ویراست سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، (۱۳۸۱) است - م.